

یک مرکزیتی در سراسر کشورمان دارد و اجرا کردن بروی صحنه آن ویژگی‌هایی لازم خود را می‌طلبد. علاوه بر اینکه اجرا کردن در چنین اشلی اساسا باعث میشود تا کیفیت اجرا هم بالاتر برود، چرا که باید آن کیفیت مورد نظر تامین شود و خود این محکی است بر اجرا و گروه اجرایی. معمولاً نمایش‌ها در این سالن بیشتر در معرض دید قرار می‌گیرند و از امکانات تئاتر شهر بهره می‌گیرند. مجموعه همه اینها و آن نوستالژی قدیمی باعث شد که هدف اول ما در اجرای سالن تئاتر شهر این باشد که با تماشاگر در یک تقابل گرم و نزدیک باشیم و در درجه دوم این اتفاق در یک مکان با وجهتی رخ دهد که اساس تئاتر متفکر را منعکس کند. آقای طاهری مدیریتم محترم مجموعه تئاتر شهر که حامی نمایش‌های مستقل هستند از کار ما حمایت کردند که من بسیار از ایشان متشکرم که این امکان را برای نمایش ما فراهم کردند.

حرکات بدنی در نمایش شما عنصر پررنگی است کمی در مورد تصمیم‌تان برای این شکل از اجرا و پیش‌نیازهای اجرایی آن در زمان تمرینات بگویید

بدن در کار یک بازیگر جزو فاکتورهای بنیادین است البته بحث من در حد کارهای اغراق آمیزی که مثلاً کیشلاک انجام می‌داد یا آثار میرهولد و گرو تفسکی نیست که بحث دیگری هستند اما به عنوان بازیگر ما باید عنصر بدن را جدی بگیریم می‌بینیم که در بسیاری از اجراها بازیگران می‌نشینند، یا در یکسری میزانشن‌های ساده بدون بهره بردن از توانایی‌های خاص بدنی دیالوگ می‌گویند هر چند همه به این شکل نیستند در این میان آثار ارزشمندی هم بوده‌اند که برای حرکات بدنی بازیگر در تئاتر جایگاه ویژه‌ای قائل شدند، اما اساساً من می‌بینم که بازیگرها برای بدنشان نه احترام خاصی قائل هستند و نه آنرا جدی می‌گیرند، یعنی نه تمرینات خاصی دارند و نه حتی نرمش‌های روزانه مربوط به بازیگری را انجام می‌دهند! بعد از مدتی هم که جایگاه حرفه‌ایشان تثبیت می‌شود می‌بینیم که کاملاً از فیزیک بدنی بازیگری خارج شده و شمایی پیدا کرده‌اند که به عنوان یک بازیگر دیگر قابل قبول نیست! دغدغه من این بود که در این اجرا، به این مسئله بپردازم که بدن بازیگر همپای کارهای دیگری که دارد، به شرطی که در کار بنشیند یعنی نه فقط بدن و حرکت محور بودن نمایش و نه تبدیل شدنش به نمایش رادیویی باشد. به همین منظور ما در طراحی تمرینات باید فراتر از تمرینات روتین بازیگری می‌رفتیم و در این بین بنده با همکارم آقای دلداده مدام یکدیگر را به چالش می‌کشیدیم، چرا که واقف به این بودیم که اگر کوچکترین مسئله با خللی در حین اجرا رخ بدهد یا حیثیت و آبروی خود توانش را می‌پردازیم پس می‌طلبید که مدام یکدیگر را برای تمرینات سخت‌تر تحت فشار بگذاریم. فکر می‌کنم به عنوان بازیگر چیزی به نام دست‌نیافتنی وجود ندارد و باید مرزهای توانایی خودمان را به سمت بالا سوق بدهیم و برای مخاطب احترام قائل شویم. دقت کنید که مخاطب همیشه یکسری تکنیک‌ها را در روند اجرای نمایش‌ها دیده است. ما می‌خواستیم کاری را انجام بدهیم که این اجرا برای مخاطب تجربه‌ای نو، جذاب و بدیع بودن ایجاد کند.

در مورد بخش عروسکی کار بگویید

به فراخور کارهای کودک و عروسکی زیادی که در سالهای فعالیت خود انجام داده‌ام، حال و هوای افرادی که قرار است عروسک گردانی کنند و در بخش عروسکی باشند را کاملاً درک می‌کنم، همین زبان مشترک باعث شد تا

وقتی خانوم معصومی نژاد به کار ملحق شدند احساس بیگانگی نداشتند. یک اتفاق خوب در بخش عروسکی ما خانوم معصومی بودند که به کار ما اضافه شدند یک هنرمند با اخلاق و توانمند یعنی دو صفتی که اگر در اعضای تیم باشد واقعا باعث خرسندی است. در کار تیمی وجود چنین صفاتی ارزشمند است و نبود این صفات باعث چالش‌های جدی در کار می‌شود. اتفاق دیگر این بود که من افراد زیادی را برای این کار تست زدم چرا که هم صحنه و هم حس و مفهومی که باید انتقال می‌داد. بخش عروسکی اجرا پاسداشتی بود از واژه مادر که بسیار بزرگ و ارزشمند است و دوران کودکی که اساساً برای همه نوستالژی از خاطرات ویژه است، خاطراتی که شاید در بزرگسالی هم مدام به دنبال تکرار طعم آن هستیم.

تمرینات این اثر نمایشی چقدر طول کشید؟

تمرینات من و آقای دلداده خیلی طولانی‌تر بود چون هم نقش‌های طولانی‌تری داشتیم و هم چالش‌های پیچیده‌تری داشت. حدود شش ماه پیش تمرینات را آغاز کردیم و با وجود اینکه سالهاست من و آقای دلداده یکدیگر را می‌شناسیم و زبان یکدیگر را می‌فهمیم، علی‌رغم این نزدیکی نقش‌ها بر ایمن چالش برانگیز بود. تمرینات دو نفره ما چهار ماه طول کشید و در دو ماه پایانی دوستان دیگر به کار اضافه شدند

مرئضی دلداده:

تفاوت‌پذیری نقش در کسری از تانیه

لطفاً از تجارب و چگونگی ورودتان به تئاتر بگویید؟

من کارشناس بازیگری هستم و در کلاس‌های آموزش بازیگری آقای امین تارخ هم شرکت کردم. در واقع تئاتر برای من از دوره دانش‌آموزی آغاز شد و کم‌کم علاقه‌ام بیشتر شد. تشویق دیگران که وجود استعدادی در این زمینه را تایید می‌کردند، باعث شد تا بیشتر به دنبال رشد در این عرصه باشم. در نمایش‌های مختلفی حضور داشتم بعنوان مثال در سال ۱۴۰۰ سه اثر بروی صحنه داشتم؛ نمایش «وقتی همه یواش نیستند» که نویسنده، دراماتورژ و بازیگر اثر بودم و مورد استقبال خوبی قرار گرفت و همینطور نمایش «فرگشت» به کارگردانی مهدی خلیل زاده و همچنین «تصویر مصور» مظفری به کارگردانی وحید نفر که از آخرین آثار نمایشی ام است. و پروژه‌هایی دیگر که تحت تاثیر مسائلی که در کشور بوجود آمد یا شکل نگرفتند یا نیمه‌کاره تعطیل شدند. تا به امروز که با نمایش «کسی برای یک گوریل غمگین کاری نمی‌کند» در خدمت مخاطبان هستیم.

آشنایی شما با کارگردان نمایش چگونه بود؟

ما دوستان قدیمی هستیم و در همین عالم تئاتر با هم آشنا شدیم. حدود ۱۴ سال پیش سر پروژه‌ای بودیم و این دوستی شکل گرفت کم‌کم متوجه شدیم که از نظر فکری و روحیات هنری به هم نزدیک هستیم و این صمیمیت به کارهای مشترکی انجامید، مانند «وقتی همه یواش نیستند» در واقع تعامل در همکاری ما تاثیر زیادی دارد.

در این نمایش شما جایگاهی نقش دارید و دو کاراکتری را که در واقع با هم تقابل دارد را بازی می‌کنید، این مسئله چه چالش‌هایی برای شما ایجاد می‌کند؟

این دو شخصیت بسیار متفاوت از هم هستند از نوع دیالوگ گویی تا کت‌هایی که باید انجام دهند و نوع احساساتشان، همه چیز متفاوت است و بخش سخت‌تر قضیه اینجاست که باید در کسری از تانیه این تفاوت را کاملاً در بازی خودت وارد کنی و به شکل باورپذیری ارائه کنی. این فضا سازی سخت بود و بدون راهنمایی‌های آقای شگری امکان‌ناشد.

مریم معصومی نژاد:

آنچه خلق شد در گروه همدلی گروه بود

کمی از خودتان و آشنایی با این تیم تئاتری بگویید؟

من در رشته تئاتر عروسکی تحصیل می‌کنم و به واسطه آن کار عروسکی هم انجام می‌دهم. در بخش آموزشی رشته ما فوکوس فقط روی عروسک نیست و تمام رشته‌ها اعم از بازیگری و کارگردانی و... دخیل هستند. در واقع در رشته نمایش عروسکی ما به یک دید کلی در مورد تمام این رشته‌ها می‌رسیم. از طریق یکی از اساتید یکی از دوستانم برای بخش عروسکی این نمایش انتخاب شده بود که ایشان بخاطر تداخل زمانی نمی‌توانستند در این پروژه باشند و بجای ایشان من معرفی شدم و برای تست رفتیم و آقای شگری لطف داشتند

و آنچه می‌خواستند را در ارائه من دیدند و بنده را برای اجرای بخش عروسکی نمایش انتخاب کردند. اولین چیزی که پس از ورود به گروه مرا تحت تاثیر قرار داد حس همدلی موجود در گروه بود. پس از ورود به گروه، برای بازیگری یکی از نقش‌های دیگر این نمایش شرایطی پیش آمد که نمی‌توانستند به همکاری با گروه ادامه بدهند و آقای شگری از من خواستند تا این نقش دوم «مامور» را نیز بر عهده بگیرم.

در بخش عروسکی‌ها برای نشان دادن خلاقیت‌تان چقدر آزادی عمل داشتید؟

برای هر کسی که وارد کاری می‌شود نکته‌ای وجود دارد و آن این است که کارگردان باید خودش مهارت‌ها را به نحو احسن بلد باشد. برای من در این کار این اتفاق افتاد و حس درستی از ابتدا از نقش و اجرا به من منتقل شد، گروه، به جز نقش برایم مثال‌هایی می‌زدند تا من کاملاً فضا را درک کنم و طوری نبود که محدودیتی در حرکات داشتم باشم. اگر نسبت به حس و حال اتودی می‌زدم یا چیزی اضافه می‌کردم پذیرفته می‌شد تا به مرحله تمرین برود و نتیجه‌اش محک بخورد. این کار به شکلی بود که حس می‌کردم می‌توانم خودم را نشان بدهم و هم اینکه یک حس اعتماد دو طرفه‌ای وجود داشت که کار را راحت‌تر می‌کرد.

اگر از طریق رسانه ما دوست دارید که مطلبی را انتقال بدهید بفرمایید

مجید شگری: مسلماً شما پای درد و دل هنرمندان زیادی نشسته‌اید و خوب می‌دانید که فضای تئاتر بسیار سخت است از مرحله نگارش متن که داستانشان دارد تا جمع کردن تیم و رسیدن به اجرا و حال مسائلی که گروه در حین اجرا با آن مواجه است، مثل فیلم نیست که شما یکبار همه کارهای مربوط به تولید آنرا انجام می‌دهید و بعد آن دیگر محضول در جیب‌تان باشد. تئاتر باید هر روز در مقابل تماشاگر بازسازی شود و اگر تماشاگر کار ما را پیدا نکند و حمایت نشویم، ادامه دادن بر ایمن بسیار سخت می‌شود. ما تمام مشکلات را مدیریت می‌کنیم و به جایی می‌رسیم که اگر به کمر نشینند دوباره جمع کردن این حجم از انرژی‌ها و اتفاقات، ایستادن در برابر موانع و مشکلات تا کار دیگری به همان کیفیت جمع‌کنی بسیار سخت خواهد بود. بخصوص که من استانداردی برای خودم قائلم و معتقدم از آن استاندارد نباید عدول شود و اگر بشود اصلاً چه لزومی است به کار کردن! اما در این کار کمی از ایده‌آل‌گرایی همیشگی‌ام فاصله گرفتم تا کار انجام شود اما ادامه این کار مستلزم این است که ما تماشاگر همراه و همفکر خودمان را پیدا کنیم و به استناد تماشاگرانی که راهشان را به این نمایش باز کردند که خیلی فراتر از آنچه بود که ما انتظار داشتیم مطمئنم اینطور خواهد شد. من همیشه در مرحله نمایش نگارم و همیشه این مسئله را چک می‌کنم که مبادا مفاهیم خیلی شخصی شود و مخاطب نتواند مرادنیال کند در ادامه کم‌کم این اطمینان را پیدا می‌کنم که کار می‌تواند با تعداد بیشتری از آدم‌ها زبان مشترک پیدا کند. در این اجرا شاهد این بودیم که از اساتید پیشکسوت تئاتر تا تماشاگرانی که اولین بار بود که با تئاتر آشنا می‌شدند اجرا را پسندیده بودند. این خوشایند مخاطب برای ما انرژی بخش و خوشحال‌کننده است. اما لازمه ادامه این راه این است که این دیده شدن به کثرت برسد، نه اینکه با یک تماشاگر محدود به حافظه تاریخی نمایش بیبوند.

مریم معصومی نژاد: برای من افتخاری بود که در کنار آقای دلداده، آقای شگری و سارا رضایی عزیز در این گروه باشم و از آنها بسیار آموختم و هر چه انجام دادم و مورد قبول گروه و مخاطب بوده بخاطر حس همدلی عمیقی که در این گروه بوده شکل گرفته است.

مرئضی دلداده: برای این کار خیلی زحمت کشیده‌شده و تئاتر ما در حال حاضر به چنین متن و اشکالی از اجرا نیاز دارد. فکر می‌کنم این کار تازمانی که روی صحنه است باید دیده شود و حیف است اگر این مجال از دست برود. ما فیدبک‌های بسیار جالبی دریافت می‌کنیم که گاهی حتی خودمان شگفت‌زده می‌شویم. از این حجم درک و همراهی مخاطب... این نشان می‌دهد که مخاطب هم تشنه چنین آثاری است. این اثر یک تئاتر متفکر است که می‌تواند همه قشرهای جامعه را نقطه زنی کند و آثاری از این دست کم‌اند و به شدت در جامعه امروز به آن نیاز مندیم. در آخر می‌خواهم از مجید شگری تشکر کنم. امیدوارم همیشه کار کند چرا که تئاتر ما به مجید شگری‌ها نیاز دارد و این افراد می‌توانند جریان ساز باشند. همچنین تشکر می‌کنم از گروه خبری فرهنگی صبا که این فرصت را برای ما فراهم کردند.

